



پشت پرده‌های راه‌پیمایی دی‌ماه ۵۶ زنان مشهدی
هنوز هم کامل نشده است

حقایقی درباره ماجرای ۱۷ دی مشهد

این گزارش از سر
می‌گذرانید گوشه‌ای
از خاطرات صدیقه
مقدس‌ی و برداشت‌هایی از
کتاب «روز آزادی زن» به قلم
سمیه ذوقی است که این دومی به
زودی روانه بازار خواهد شد.

حرکت زنان چطور طرح‌ریزی شد؟

آن زمان زمانی که نگاه مثبت به حضور در
دانشگاه نداشتند، وارد جلسات مذهبی و
حوزه‌های علمیه می‌شدند. به همین دلیل
من با سابقه شاگردی زیر نظر پدرم، آیت‌...
مقدس‌ی شیرازی و سایر علما، زنان علاقه‌مند
را در خانه و مساجد آموزش می‌دادم. البته
آموزش‌ها فقط دینی نبود، به صورت
مخفیانه آگاه‌سازی زنان از مسائل سیاسی
و مبارزاتی و آموزش‌هایی در این حوزه هم
بود. با همین آموزش‌ها، به پیشنهاد همسر،
حجت الاسلام موسوی خراسانی که آن زمان
امام جماعت مسجد الرضا (ع) بود، وارد
این مسجد شدم. با گذشت دو سال تعداد
بانوان علاقه‌مند به حدی زیاد شد که دیگر
فضای مسجد جواب‌گو نبود. این شد که
آقای موسوی و هیئت امنای مسجد مدرسه
«اسلام‌شناسی» را در چهارراه لشکر تأسیس
کردند.

شاه برداشتند، پایه‌های برچیده شدن بساط
سلطنت در ایران را گذاشتند. حال آنکه هنوز
مردان برای اعتراض عمومی خیابانی علیه
رژیم شاه به میدان نیامده بودند و فضای
سنتی زندگی‌ها هم به شدت حضور زنان در
جامعه را محکوم می‌کرد.
واقع‌ای که با نام «قیام زنان مشهدی»
این روزها، ۴۰ ساله می‌شود. مهمی که جز
بخش‌های کوتاهی از خاطرات شفاهی
معترضان آن روزها اطلاعات دقیق و خاصی
از آن در دست نیست. به دنبال همین
شهرآرامحله هم‌زمان با فرارسیدن سالگرد
این رویداد مهم سراغ یکی از بانوان اصلی آن
رفته است؛ صدیقه مقدس‌ی، دختر مرحوم
آیت‌...، شیخ ابوالحسن مقدس‌ی (شیرازی) و
مدیر مدرسه اسلام‌شناسی حضرت زهرا (س).
کسی که در کنار حجت الاسلام
موسوی خراسانی (همسر)، حسین صفایی،
شهید مهدی فرودی و تیمش و البته مریم
فرودی از پایه‌گذارهای اصلی این راه‌پیمایی
بوده است، اما متأسفانه هیچ‌وقت به چشم
نیامده است. با همین بهانه، پرونده این شماره
را به این نیمه‌پنهان‌مانده انقلاب و نقش زنان
مدرسه اسلام‌شناسی در جریان مبارزات
اختصاص داده‌ایم که در کنار مطرح شدن
فراوان اتفاق و عملیات‌های مختلف روزهای
۵۷ و ۵۸، مهجور باقی مانده است. آنچه در

درست صبح شنبه است، زنان بی‌حجاب
گروه گروه با اتوبوس به میدان مجسمه می‌آیند
تا دسته‌گل‌هایشان را تقدیم رضاشاه کنند.
خبر رسیده گروه بزرگی از زنان باحجاب از
فلکه آب به سمت میدان در حرکتند. خبر
درست است. تعداد زیادی از زنان چادری بعد
از سال‌ها تحمل بزرگداشت این روز، این بار
دست به دست هم داده‌اند تا برای همیشه این
نام و نشان ننگین را از حافظه تاریخ پاک کنند.
حالا ساعت از ۱۰ صبح هم گذشته و تعداد
چادری‌های در حرکت به ۳۰۰ نفر رسیده
است. زنانی که در کنار موضوع ۱۷ دی،
زخم‌خورده درگذشت مشکوک آیت‌...،
سیدمصطفی خمینی و صدور رأی تبعید
سه ساله آیت‌... خامنه‌ای به ایرانشهر هم
هستند. عقر به‌های ساعت نزدیک ظهر
می‌شود. زنان چادری حالا چهارراه نادری
(شهیدای فعلی) را هم رد کرده‌اند. نگاهشان به
زنان بی‌حجاب و گل‌های مجسمه که می‌افتد،
درگیری با افسران و سربازان شهربانی هم
آغاز می‌شود. تعدادی از آن‌ها در این جریان
دستگیر می‌شوند، اما خوشحال از این هستند
که عیش زنان شاه‌دوست را عزا کرده‌اند.
البته این تمام ماجرا نیست؛ روایتی که به
اعتبار آن، زنان مشهدی نخستین آتش
انقلاب اسلامی را روشن کردند و با خیزی که
در برپایی اولین راه‌پیمایی عمومی علیه رژیم

این
مدرسه
که راه
افتاد،
آموزش‌های من
هم به خصوص در
حوزه انقلاب بیشتر شد.
البته در کنار آن دوره‌های
مخفی دیگری هم در خیابان
طبرسی راه انداختم. در این
کلاس‌ها بانوانی را که مستعد بودند با
انقلاب، امام خمینی (ره)، راه مبارزه و...
آشنا می‌کردم. با همین روش چیزی نگذشت
که تیم بزرگی از زنان مبارز ضد رژیم در مدرسه
اسلام‌شناسی تشکیل شد.
بعد از آن قرار شد با تکیه بر توان و نیروی
همین زنان مبارز که در مدرسه اسلام‌شناسی